

D

al-Dakhwār

Al-Dakhwār (d. 628/1230), known as Muhadhhab al-Dīn ‘Abd al-Raḥīm b. ‘Alī, was a pre-eminent and influential physician of the Ayyūbid period (582–658/1186–1260) in Damascus. A great admirer of the works of Galen, he was a prodigy in treating patients and ventured into the field of medications for diseases that were difficult to cure. Born and raised in Damascus, he started out as an oculist, like his father ‘Alī and his brother Ḥāmid, while working as a copyist of manuscripts.

He studied medicine under the physicians Raḍī al-Dīn al-Raḥbī (d. 631/1233), Muwaffaq al-Dīn Ibn al-Muṭrān (d. 587/1191), and Fakhr al-Dīn al-Mārdīnī (d. 594/1198), and grammar and lexicography under Tāj al-Dīn al-Kindī Abū l-Yumn (d. 613/1217). Later, he also studied astrology and astronomy with a certain Abū l-Faḍl al-Isrā’īlī. He worked initially at Bīmaristān al-Nūrī (al-Nūrī Hospital) in Damascus as an oculist. Later, when he studied with Ibn al-Muṭrān, Ṣafī al-Dīn Ibn Shukr (d. 622/1225), the *wazīr* of al-Malik al-‘Ādil Abū Bakr b. Ayyūb

(r. 592–615/1196–1218), made him his client and granted him ample funding, which allowed him to work in medicine and develop his skills. In 604/1207, al-Malik al-‘Ādil informed his *wazīr* that he wished to add a second physician to cooperate with the physician Muwaffaq al-Dīn ‘Abd al-‘Azīz al-Sulamī (d. 604/1208) in caring for his troops. Ibn Shukr recommended al-Dakhwār, but the latter refused the honour. After the death of al-Sulamī, however, he was charged with supervising physicians in all of Egypt and Syria. Two years before his death in 628/1230, his new patron, the Ayyūbid ruler of Damascus al-Malik al-Ashraf (r. 626–35/1229–37), created for him a *majlis* (a place for debates and lectures) for teaching medicine.

Al-Dakhwār was the first to establish in the mediaeval Arab world a school devoted exclusively to the teaching of medicine. Al-Madrassa al-Dakhwāriyya opened its doors on 8 Rabī‘ I 628/14 January 1231 and was apparently still in existence in 820/1417 (Pormann and Savage-Smith, 83). He decreed that the first professor of the college should be the

از بزرگان طب، از جمله ابن‌ابی‌اصیبعه از شاگردان مذهب‌الدین بودند که به مهارت و تبحر وی اشاره کرده‌اند.

در ۶۲۲ق، الملك‌الاشرف، فرزند ملک‌العادل (حکومت: ۶۲۶-۶۳۴ق)، مذهب‌الدین را نزد خود فراخواند، اما پس از چندی، مذهب‌الدین به بیماری نقل لسان (فلج شدن زبان و نامفهوم سخن گفتن) و استرخا (سستی بدن) دچار شد و در همان سال به دمشق بازگشت. مذهب‌الدین، که با وجود بیماری به تدریس طب می‌پرداخت، در شب دوشنبه ۱۵ صفر ۶۲۸ در دمشق درگذشت. او را در قاسیون، نزدیک مزار بدرالدین شحنه، به خاک سپردند (ابن‌ابی‌اصیبعه، ج ۲، ص ۲۳۹).

مذهب‌الدین دخواار خانه خود و همچنین املاک دیگری را وقف تدریس پزشکی کرده و وصیت کرده بود که حکیم شرف‌الدین علی‌بن‌الرحبی در آنجا به تدریس بپردازد. از این رو، پس از مرگ مذهب‌الدین دخواار، آن مدرسه به دخوااریه معروف شد. مدرسه دخوااریه در روز دوشنبه دوازدهم ربیع‌الآخر ۶۲۸ افتتاح شد. در منابع آمده است که حکیم سعدالدین ابراهیم‌بن‌عبدالعزیز، قاضی شمس‌الدین خوئی، قاضی جمال‌الدین الخرستانی، قاضی عضدالدین سنجاری و فقها و حکمای دیگر در مراسم افتتاحیه دخوااریه حاضر شدند. حکیم شرف‌الدین‌بن‌الرحبی از آغاز کار مدرسه به تدریس پزشکی در آنجا پرداخت و نزدیک به ده سال در دخوااریه مدرس و رئیس پزشکان بود. پس از وی، حکیم بدرالدین مظفر، قاضی بعلبک، از جانب الملك‌الجواد، نواده الملك‌العادل، به ریاست و سرپرستی مدرسه دخوااریه منصوب شد (عیسی‌بیک، ص ۱۳۶).

عمادالدین دنیسری، محمدبن‌عبدالرحیم‌بن‌مسلمه کمال‌الدین طیب (متوفی ۶۹۷ق)، جمال‌الدین محقق

ابومحمد عبدالرحیم‌بن‌علی‌بن‌حامد‌الدمشقی (۵۶۴-۶۲۸ق / ۱۱۷۰-۱۲۳۰م)، معروف به مذهب‌الدین دخواار، پزشک و رئیس بیمارستان دمشق در دوران سلاطین ایوبی است.

در ۵۶۴ق در دمشق متولد شد و در همان‌جا به تحصیل پرداخت. پدرش، علی‌بن‌حامد، و برادرش، حامدبن‌علی، کحال (چشم‌پزشک) بودند و مذهب‌الدین دخواار نیز ابتدا به چشم‌پزشکی مشغول شد (لغت‌نامه، ذیل «دخواار»). پس از مدتی نزد شیخ تاج‌الدین کندی ادبیات فراگرفت. سپس نزد شیخ رضی‌الدین رحبی و موفق‌الدین‌بن‌مطران به تحصیلات طبی پرداخت و قسمت‌هایی از قانون را نزد فخرالدین ماردینی آموخت. مذهب‌الدین مدتی نیز مشغول فراگیری علوم حکمی نزد شیخ سیف‌الدین علی‌بن‌ابی‌علی‌الأمیری شد و نجوم را نیز از ابی‌الفضل اسرائیلی‌المنجم آموخت (مدرس تبریزی، ج ۴، ص ۴۰).

مذهب‌الدین دخواار، پس از مدتی، از سرآمدان روزگار خود در طبابت و بسیار مشهور شد. زمانی که الملك‌العادل ایوبی (حکومت: ۵۹۲-۶۱۵ق) از وزیرش ابن‌شاکر خواست که موفق‌الدین عبدالعزیز پزشک را به دربار معرفی کند، ابن‌شاکر مذهب‌الدین دخواار را نیز به الملك‌العادل معرفی کرد. پس از مرگ موفق‌الدین، مذهب‌الدین دخواار توانست در سال ۶۱۰ق بیماری سخت الملك‌العادل، حاکم ایوبی، را مداوا کند و در ۶۱۲ق نیز فرزند حاکم ایوبی، الملك‌الکامل را، که در مصر به وبا دچار شده بود، مداوا کرد. پس از آن بود که به ریاست طبای مصر و شام منصوب شد (زرکلی، ج ۳، ص ۳۰۸).

پس از مرگ الملك‌العادل، جانشین وی، الملك‌المعظم (حکومت: ۶۱۵-۶۲۴ق)، ریاست بیمارستان دمشق را به مذهب‌الدین دخواار سپرد که او در این دوران بیشتر به تدریس و تألیف پرداخت. برخی

حمد رضا شمس اردکانی ve dğr.; تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و

ایران، (جلد دوم) تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱ ISAM DN. 260936

دخوار

۳۹۷

دخوار. او در ۵۶۵ در دمشق، متولد شد. علت معروفیتش به دخوار نامعلوم است. ابن تغری بردی (ج ۶، ص ۲۷۷) از او با دو عنوان مهذب بن دخوار و مهذب عبدالرحیم بن علی (معروف به دخوار) یاد کرده، لوکلر^۱ (ج ۲، ص ۱۷۷) و اشتاین اشتایدرا^۲ (ص ۳۰۶) نام او را به صورت ابن دخوار آورده‌اند (قس سارتون^۳، ج ۲، بخش ۲، ص ۱۰۹۹، پانویس ۱). ابن ابی اصیبعه که خود شاگرد دخوار بوده - مفصل‌ترین شرح زندگی او را آورده است، چنان‌که مطالب دیگران بیشتر تکرار گفته‌های اوست (به ادامه مقاله). پدرش علی بن حامد و برادرش حامد بن علی چشم‌پزشک بودند. مهذب‌الدین نیز در آغاز به چشم‌پزشکی و در عین حال کتابت کتابهای عمدتاً پزشکی پرداخت (ابن شاکر کتبی، ج ۲، ص ۳۱۶؛ نیز - موسوعه اعلام العلماء و الادباء، ج ۹، ص ۱۳۸) که به گفته ابن ابی اصیبعه (ج ۲، ص ۲۳۹) شمار آنها به صد مجلد می‌رسید. از جمله آنها بستان‌الاطباء و روضة الألباء استادش ابن مطران^۴ بود که دخوار جزء اول آن را با خواندن آن در حضور خود ابن مطران با اصل کتاب مقابله کرد (ابن مطران، ج ۱، مقدمه محقق، ص پنجم؛ موسوعه اعلام العلماء و الادباء، همانجا). او ادبیات عرب و فلسفه را نزد تاج‌الدین کندی ابی الیمین فراگرفت؛ پزشکی را علاوه بر پدر نزد شیخ‌رضی‌الدین رحیمی، عبداللطیف بغدادی^۵، ابن مطران، و فخرالدین ماردینی آموخت. همچنین حکمت را نزد شیخ سیف‌الدین آمدی^۶ و نجوم را نزد ابوالفضل اسرائیلی منجم آموخت (به ابن شاکر کتبی، همانجا؛ نیز - سامرائی، ج ۲، ص ۲۴۳-۲۴۴؛ سوتر^۴، ص ۱۳۸).

دخوار در ابتدای کار، در بیمارستان بزرگی که نورالدین محمودبن زنگی (حک: ۵۱۱-۵۶۹) وقف کرده بود، به چشم‌پزشکی مشغول شد و درحالی‌که بیش از ۲۲ سال نداشت، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین شاگردان ابن مطران در پزشکی شناخته شد، چنان‌که در ۶۰۴ هنگامی که ملک عادل اول (پادشاه ایوبی) در پی استخدام پزشک چیره‌دستی برای سپاهیان بود تا همراه حکیم موفق‌الدین عبدالعزیز خدمت کند، صاحب صفی‌الدین وزیر، دخوار را معرفی کرد و ملک دستور داد تا او را به ازای حقوق سی دینار ناصری در ماه استخدام کنند. او که به جایگاه خود در علم پزشکی به خوبی آگاه بود، حاضر به خدمت با حقوقی کمتر از آنچه موفق‌الدین عبدالعزیز دریافت می‌کرد، یعنی صد دینار در ماه، نشد. یک ماه بعد، عبدالعزیز بیمار شد و درگذشت، و دخوار به درخواست ملک و با حقوق صد دینار در ماه به خدمت درآمد (ابن ابی اصیبعه، ج ۲، ص ۲۳۹-۲۴۰؛ ابن شاکر کتبی، همانجا؛ یافعی، ج ۴، ص ۶۵؛ نَعیمی دمشقی، ج ۲،

این صیغه‌ها «تحت‌السیاق» می‌گفتند (به فروغ اصفهانی، ص ۱۱۳، ۲۵۱-۲۵۶؛ مصدق، ص ۱۶۸-۱۶۹، ۱۹۵).

هرکدام از برگه‌های کتابچه‌های دخل و خرج را «فرد» می‌خواندند. از این فردها رونوشت برمی‌داشتند، و آنها را در دسته‌های جداگانه، به تکبیک ولایات، قرار می‌دادند و به آنها سررشته می‌گفتند. دسته‌های این «فردها» یا سررشته‌ها چنانچه حجیم بود، معمولاً بین دو تخته با طناب نازکی بسته می‌شد. یک نسخه از این سررشته‌ها نزد وزیر دفتر و نسخه دوم نزد سررشته‌دار کل، که تابع وزیر دفتر بود، ضبط می‌شد (به فروغ اصفهانی، ص ۱۱۱؛ متین‌دفتری، ص ۳۳-۳۴).

منابع: ابن بلخی؛ اسکندرمثنی؛ غلامحسین افضل‌الملک، افضل‌التواریخ، چاپ منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران ۱۳۶۱ ش؛ محمدبن محمد بلعی، تاریخنامه طبری، چاپ محمد روشن، تهران ۱۳۸۰ ش؛ حمدالله مستوفی، تاریخ‌گزیده؛ خواندمیر؛ محمدبن علی راوندی، راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق، به سعی و تصحیح محمد اقبال، بانضمام حواشی و فهارس با تصحیحات لازم مجتبی مینوی، تهران ۱۳۶۴ ش؛ مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۴، بخش ۲، تهران ۱۳۸۲ ش؛ محسن روستایی، «بازخوانی کتابچه جمع و خرج حکومتی ظل‌السلطان (خوزستان و بختیاری) ۱۳۰۳ق»، به خط سیاق، گنجینه اسناد، سال ۱۲، دفتر ۳ و ۴ (پاییز و زمستان ۱۳۸۱)؛ محمدبن هندوشاه شمس‌مثنی، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، چاپ عبدالکریم عزیزاده، مسکو ۱۹۶۴-۱۹۷۶؛ ظهیرالدین ظهیری نیشابوری، سلجوقنامه، تهران ۱۳۳۲ ش؛ محمدبن عبدالجبار عتبی، ترجمه تاریخ یغینی، از ناصحن ظفر جرفادقانی، چاپ جعفر شعار، تهران ۱۳۷۴ ش؛ محمد مهدی بن محمدباقر فروغ اصفهانی، فروغستان: دانشنامه فن استیفا و سیاق، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۷۸ ش؛ احمد متین‌دفتری، «اسناد دیوانی عهد قاجار»، راهنمای کتاب، سال ۹، ش ۱ (اردیبهشت ۱۳۴۵)؛ عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، یاد تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار، تهران ۱۳۷۷ ش؛ محمد مصدق، اصول و قواعد و قوانین مالیه در ممالک خارج و ایران، تهران ۱۳۷۷ ش؛ علی‌بن احمد متجرب‌الدین بدیع، عتبة‌الکتبه: مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر، چاپ محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی، تهران ۱۳۸۴ ش؛ محمدبن علی ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران ۱۳۶۳ ش؛ عبدالحسین نوائی، دولتهای ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم، تهران ۱۳۵۵ ش.

/ آمنه ابراهیمی /

دخمه - قبر / قبرستان

دخوار، مهذب‌الدین ابو محمد عبدالرحیم بن علی بن حامد دمشقی، پزشک قرن ششم و اوایل قرن هفتم، معروف به

1. Leclerc

2. Steinschneider

3. Sarton

4. Suter

04 TEMMUZ 1992

27 ABUQRĀT (BUQRĀT)

Sharḥ Taqdimat al-Ma'rifa

A commentary on the prognostic of Hippocrates, by Muhaddhib al-Dīn 'Abd al-Raḥīm b. 'Alī al-Dakhwār (1169-1230), written by one of his closest students, Badr al-Dīn Muẓaffar b. Qāḍī Ba'labakk.

MS. British Library Or. 12150 (2) ff. 58-140.

Ref.: Hamarneh Cat., no. 8.

DAHVĀR

Nuruesmaniye : 1. 61 (077) = 927

3511/3524

2. 61 (077) = 927

3012/3525

DAHVĀR

(Asıl Şerih Muhaddhib al-Dīn Abū 'Alī b. 'Alī)

Takdimetül-ma'rife Şerhi,

~~Ayasofya : 3631/3~~

1. ~~Ayasofya : 3631/2~~

2. Hekimoğlu : 574/2 s. 88 b -

116 b. (Takdimetül-ma'rife Şerhi ile Edviyetül-ma'rife)

شرح كتاب مقدمة المعرفة (تبقراط)

→ 117a-125 b (el-İstifrag)

risaleleri, (118 b)

GAZ. III, 39 b

87 b-115 b

— Ebtik-Fasce el-Isfahani

— Veqir el-Maqrifa 208

— Misabbihis 208

— Ibn Nakiza 208

— Dah var 209

— Ibn Vasil 209

— Ibn Manzur 209

04 MAR 2005

MAJLIS AL-ADIBIN
SUNIL AL-ADIBIN

الأغاني

لأبي الفرج علي بن الحسين بن محمد بن احمد الأموي الأصفهاني المتوفى سنة ٣٥٦ هـ . .
(تاريخ بغداد ١١ : ٣٩٨ ، معجم الأدباء لياقوت ٥ : ١٤٩ وغيره) توسع في ذكره صاحب كشف
الظنون : ١٢٩ ، وهو معروف عند الأدباء وكتبت حوله عدة مصنفات عند المتأخرين خ برلين ٧٣٩٥ ،
وميونيخ أول ٤٦٨ - ٤٩٢ ، والمتحف البريطاني ٦٥ ، وجاريت ١٧٩ ، وقامح ٣٦٦٩ (انظر بروكلمان
٢ : ٧٢) طبع بمطبعة بولاق سنة ١٢٨٥ هـ في عشرين جزءاً ونشر مرة أخرى بمصر سنة ١٣٢٣ بإشراف
الشيخ أحمد الشنقيطي ثم طبع محققاً بالهيئة المصرية بالقاهرة في ٢٩ جزءاً بإشراف جماعة
الأساتذة .

الوعاء : ٢٩٢ ، انباه الرواة ٢ : ١٣٣ .

* مختصر الأغاني .

أبو الحسين أحمد بن علي الرشيد الغساني
الأسواني المتوفى سنة ٥٦٣ هـ (معجم الأدباء ٤ :

٥١ ، بغية الوعاة : ١٤٦ ، شذرات الذهب ٤ :

١٩٧) .

* مختصر الأغاني

(كشف الظنون : ٣٠) .

مؤيد الدين محمد بن عبد الكريم بن عبد الرحيم

الحارثي المتوفى سنة ٥٩٩ هـ (طبقات الأطباء ٢ :

٩٠ ، الوافي بالوفيات ٣ : ٢٨٠ ، الأعلام ١ :

١٥٤ و ٦ : ٢١٥) .

* مختصر الأغاني .

كل ما كتب حول الأغاني هو مختصرات :

الوزير أبو القاسم الحسين بن علي بن حسين

المغربي المتوفى سنة ٤١٨ هـ (وفيات الأعيان ١ :

٩٥ ، مرآة الجنان ٣ : ٣٢ ، شذرات الذهب ٣ :

٢١٠) .

* مختصر الأغاني

(كشف الظنون : ٢٢٩) .

عز الملك محمد بن عبيد الله بن أحمد الحراني

المعروف بالمسيحي المتوفى سنة ٤٢٠ هـ (الوافي

بالوفيات ٤ : ٧ ، تاريخ ابن خلكان ١ : ٦٥٣ ،

مرآة الجنان ٣ : ٣٦) .

* مختصر الأغاني .

عبد الله بن محمد بن الحسين بن نايقا البغدادي

المتوفى سنة ٤٨٥ هـ (ابن خلكان ١ : ٣٣٤ ، بغية

Muhaddib ad-Din 'Abd ar-Raḥim ibn 'Ali ad-Daḥwār war Chefarzt in Damaskus und hat vor allem dadurch gewirkt, daß er hervorragende Schüler ausbildete. Zu diesen zählten auch ibn an-Nafis und ibn abi Uṣaibi'a. Im Jahre 628/1230 ist ad-Daḥwār gestorben⁶. Von seinen Schriften, unter denen sich mehrere Polemiken befinden, ist sein Kommentar zum Προγνωστικόν des Hippokrates erhalten⁷.

⁶ b. a. Uṣ. II 239, 16 ff.; Max Meyerhof, in: Quellen und Studien zur Geschichte der Naturwissenschaften und der Medizin 4, 1935, 43 ff.; GAL I 491; S I 647.

⁷ Mss.: Sbath nr. 255; 797; Šabbūḥ Fihris nr. 137.

MANFRED ULLMANN, DIE MEDIZIN IM ISLAM,

LEIDEN 1970, s. 172

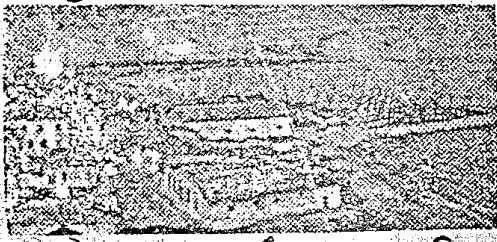
نوع من الضرائب كان يجب على الحاصلات الزراعية والمائية وما إليها التي تنتقل بين القرى والمدن الداخلية، لهذا اقيمت على مدخل المدن والقرى مراكز لجناتها، وقد ألغيت هذه الضريبة في عهد الوالي سعيد باشا (١٨٥٤ - ١٨٦٢ م) واعيدت في عهد اسمعيل عندما تعسرت الحالة المالية ثم ألغيت عام ١٨٨٠ م في عهد الخديو توفيق من بين ثلاثين ضريبة أخرى تقرر إلغاؤها .

دخيل

الدخيل اصطلاح فى علم العروض والقوافى يقصد به الحرف المتحرك المتوسط بين الروى * والتأسيس .

دده افاج

ميناء تركية الأصل تقع عند مصب نهر الميرتزا وتطل على بحر ايجه ، بلغ عدد سكانها نحو أربعة الاف نسمة ، أصبحت لها أهمية خاصة منذ أن اتصلت بسكة حديد الشرق ، ضمت الى بلغاريا عام ١٩١٣ بعد حرب البلقان ،



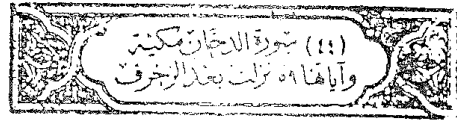
ميناء دده افاج . أو الكسنديروبوليس

تم ضمت الى اليونان عام ١٩٢٠ وأصبحت مثار نزاع سياسى بين بلغاريا واليونان لا سيما بعد فشل مشروع لتحويلها الى ميناء حرة ، ومنحت اليونان اسم دده افاج وأطلقت عليها اسم « الكسنديروبوليس »

D-deagath,
Alexandropolis

تقرأ :

القرآن ، جملة آياتها ٥٩ آية كلها مكية، يبدأ بقوله تعالى « حم ، والكتاب المبين ، انا انزلناه فى ليلة مباركة انا كنا منذرين » والاشارة الى نزول القرآن فى ليلة القدر ، وقد وردت كلمة الدخان ، فى الآية التاسعة من السورة ، قال تعالى « فارتقب يوم تأتى السماء بدخان مبين ، يغشى الناس هذا عذاب اليم » نزلت سورة الدخان بعد سورة



الزخرف ، وهى من حيث ترتيب المصحف تسبق سورة الجاثية .

الدخوار

طبيب دمشقى ، وهو القب الذى عرف به ، مهذب الدين ، عبد الرحيم ابن عنى بن حامد ، ولد بدمشق عام ٥٦٥ هـ (١١٧٠ م) وعاصر قيام الدولة الايوبية بالشام فاتصل بالملك العادل ثم بالملك المعظم فالأشرف وكانت له رئاسة البيمارستان النورى بدمشق ورئاسة الاطباء فى ايامه ، ويذكر انه وقف داره وكتبه على الاطباء ، ينسب اليه شرح كتاب « تقدمة المعرفة فى الطب » من كتب بقراط المنقولة الى العربية ، وممن شرح كتاب التقدمة هذا الطبيب المصرى ابن النفيس وهو من تلاميذ الدخوار ، وله مختصر لكتاب « الحاوى فى الطب » لأبى زكريا الرازى ، توفى الدخوار عام ٦٢٨ هـ (١٢٣٠ م) اiban سلطانة الأشرف الايوبى .

دخولية

اسم اصطلاحى أطلق فى مظهر على

الحاوي في الطب

لأبي بكر محمد بن زكريا الرازي المتوفى سنة ٣١١هـ .
(وفيات الأعيان ١: ٦٧٨، وأخبار الحكماء للقفطي: ٢٧١، وطبقات الأطباء لابن أبي أصيبعة
١: ٣٠٩) خ ميونيخ أول ١٠٦ والمتحف البريطاني أول: ٤٤٦ وجاريت ٢١٦٠ والأسكوريال ٨٠٦

وغيرها (بروكلمان ١: ٦٨٣) طبع بحيدرآباد بالهند سنة ١٣٧٥هـ في ٢٣ مجلداً .

٥٦٠هـ (الأعلام ٨: ٧٢) .

* مختصر الحاوي في الطب

خ برلين ٦٢٦٠ .

كمال الدين أبو منصور المظفر بن علي بن ناصر

القرشي الحمصي المتوفى سنة ٦١٢هـ (طبقات

الأطباء لابن أبي أصيبعة ٢: ٢٠١، كحالة

١٢: ٣٠٠) .

* مختصر الحاوي .

مهذب الدين عبد الرحمن بن علي بن حامد بن

الطبيب بن الدخوار الدمشقي المتوفى سنة

٦٢٧هـ (الأعلام ٣: ٣١٧، وص: ٣٤٧) .

* مختصر الحاوي .

أبو الحجاج يوسف بن حيدرة الرحبي المتوفى سنة

٦٣١هـ (عيون الأنباء في طبقات الأطباء لابن

أبي أصيبعة ٢: ١٩٢، كحالة ١٣: ٢٩٥) .

* مختصر الحاوي .

أبو الحسن علي بن أبي عبد الله محمد القرشي

(بروكلمان ١: ٦٨٤) .

أبو سعيد رشيد الدين بن يعقوب المسيحي

القدسسي المتوفى سنة ٦٤٦هـ (كشف

الظنون: ٦٢٨) .

— تعليق على كتاب الحاوي .

قطب الدين محمد بن محمد البويهبي الرازي

المتوفى سنة ٧٦٦هـ (ذريعة ١٣: ١٨٤) .

— شرح الحاوي

(شكك المؤلف هل هو حاوي الطب أم

حاوي الفقه انظر الذريعة ١٣: ١٨٤) .

واختصره:

علي بن داود المتوفى بعد سنة ٥٣٠هـ

(بروكلمان ١: ٦٨٤) .

* مختصر الحاوي خ ميدتشي ٢٢٧ .

أبو بكر محمد بن يحيى المعروف بابن باجه

الأندلسي المتوفى ٥٣٣هـ (هدية العارفين ٢:

٨٧)

* اختصار الحاوي

هبة الله بن صاعد بن التلميذ المتوفى سنة

- Razi Abu Bekir -

- Razi Kullüddin ?

✓ Dah var (40034)

24 ARA 2006

MADDE YATIMLANDIRTAN
SONRA GÖRÜN DOKÜMAN

Abdurrasul Ali b. Hansi
2385 - عبد الرحيم بن علي بن حامد مهذب الدين الدخوار

الدمشقي ، الطبيب الكحال الأديب المعروف بالدخوار - إتصل
بالمملك العادل أبي بكر ابن أيوب سنة 604 هـ فارتفعت
منزلته عنده حتي جعله في جلسائه وأصحاب مشورته وأغدق
عليه إنعامه - المتوفى بدمشق سنة 1230/628

(أنظر : كشف الظنون 1410 ؛ ابن أبي أصيبعة عيون الأنباء
736-728 ؛ معجم المؤلفين 209/5 ؛ الزركلي 347/3 ؛
ترتيب الأعلام 409)

من تصانيفه :

1 - انتخاب الإقتضاب على طريق السؤال والجواب للمسيحي
- في الطب

جامعة إستانبول رقم 321 ورقة 26-47 ؛ روان كوشكي رقم
1697 ورقة 90 ؛

2 - شرح مقدمة المعرفة لأبقراط الحكيم - في الطب

حكيم أوغلي رقم 3/574 ورقة 87-115 ، 698 هـ
نورعثمانيه رقم 3534 ورقة 60 ؛ رقم 3524 ورقة 60 ؛ رقم
3525 ورقة 47 ؛ عزيز محمود هدائي رقم 1763 ورقة 68 ،
1126 هـ

3 - كتاب ما يقع في الأدوية المفردة من التصحيف

حكيم أوغلي 3/574 ورقة 117-118 ، 698 هـ

4 - مقالة في الإستفراغ في الحميات - في الطب

حكيم أوغلي 4/574 ورقة 118-125 ، 698 هـ

1. J. ENR 2006

MADDE YAYIMLANMIŞTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

sayfa: 785-786

علي رضا قره بلوط، معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات
إستانبول ، الجزء الثاني، [y.y.,t.y.] ، İSAM 141628

Dahvas

06 MART 1995

الدخوار

عبدالرحيم^(١) بن علي بن حامد، الدمشقي، مهذب الدين، أبو محمد

٥٦٥ - ٦٢٨ هـ

١١٦٥ - ١٢٣٠ م

(١) في إحدى نسخ مخطوطات «فوات الوفيات» خطأ من الناسخ حيث كتب «عبدالرحمن» بدلا من «عبدالرحيم» فسرى هذا الخطأ لبعض من ترجموا لصاحبنا فاتفق أن صاحبي «الأعلام» و «معجم المؤلفين» وغيرهما قد ترجموا لصاحب الترجمة بترجمتين: أحدهما بـ «عبدالرحمن» والأخرى بـ «عبدالرحيم» لذا لزم التنويه .

- ١ - سير أعلام النبلاء: ترجمة رقم ١٩٣ في ٣١٦:٢٢ .
- ٢ - القلائد الجوهريّة في تاريخ الصالحية/ لابن طولون في ص ٢٣١ .
- ٣ - مرآة الزمان مج ٨ ج ٢ : ٦٧٢ .
- ٤ - العبر في خبر من غبر ١١١:٥ .
- ٥ - فوات الوفيات: ترجمة رقم ٢٣٠؛ تحقيق محيى الدين عبدالحميد في ٥٦٣:١ .
- ٦ - البداية والنهاية ١١:٢ .
- ٧ - عيون الأنباء في طبقات الأطباء ٣٩٠:٢ .
- ٨ - المدارس في تاريخ المدارس: ترجمة رقم ١٥٥ في ١٢٧:٢ .
- ٩ - تراجم القرنين: السادس والسابع؛ المعروف بالذيل على الروضتين في ص ١٥٩ .
- ١٠ - مرآة الجنان ٦٥:٤ .
- ١١ - الأعلام به ترجمتان: ابن الطيب عبدالرحمن في ٩٠:٤ ، الدخوار عبدالرحيم في ١٢١:٤ .
- ١٢ - معجم المؤلفين به ترجمتان: في ١٥٥:٥ ، ٢٠٩ .
- ١٣ - خزائن الكتب في الخافقين ٨٧٤:٣ .

231. AL-DAKHẒĀR (Muhadhhdhab al-Dīn a. M. 'Abd al-Raḥīm b. 'A. b. Ḥāmid al-Dimashqī), *K. Sharḥ Taqḍimat al-ma'rifa*, éd. Māhir 'Aq. Muḥammad, Avant-propos M. 'Abduh Maḥbūb et 'A. 'Abd al-Mu'ī Muḥammad, Alexandrie, Dār al-Ma'rifa al-jāmi'iyya («Iṣḍārāt Markaz al-turāth al-qawmī wa al-makhtūḩāt» 4), s.d. (ca. 2000); 17x24 cm, 341 p.

Dohva

Pour l'A., né ca. 560, m. 15 ṣafar 628/23 déc. 1230, à Damas, v. *GAL*, I, 491; *SI*, 896; *GAS*, III, 32, *sub op.* 3 d'Hippocrate, *Taqḍimat al-ma'rifa* (*Prognostikon* ou *Hippocratis Prognostica*); Kahh, V, 209; Ibn a. Uṣaybī'a, II, 239-46/728-36; *San*, XXII, 316-7. Il fut, dit-on, l'un des maîtres d'Ibn al-Nafis et d'Ibn a. Uṣaybī'a (m. 668/1269), à Damas, mais dans le cas d'Ibn al-Nafis cela est mis en doute par certains.

L'édit. est professeur en histoire des sciences à l'Univ. d'Alexandrie et membre de l'Association internationale de l'histoire de la philosophie et des sciences, ainsi que de l'Association internationale de l'histoire des sciences.

Texte établi à partir de deux mss. Tous deux commencent avec la mention de Badr al-Dīn Muẓaffar b. Qāḩī Ba'labakk, l'élève de DakhẒār qui a suivi ses leçons, et «qui dit». Rien d'étonnant à cela, dans la mesure où la liste des œuvres de l'A. donnée par Ibn a. Uṣaybī'a ne comporte pas le titre de ce commentaire, mais seulement: «On lui attribue des remarques (*nawādir*) sur le *Prognostikon*». Ce n'est donc pas lui qui l'a fixé par écrit ou qui l'a mis au propre, mais un ou deux de ses étudiants, comme on va le voir.

Les mss.: 1. microf. DK 2835, avec la date du 11 mars 1914, qui, semble-t-il, appartenait à Max Meyerhoff. 2. Alexandrie Bal. 3420/6635 j./ ṭibb. À la fin du ms., il est écrit que celui qui a collecté ce commentaire est Kamāl al-Dīn M. b. 'Abd al-Raḥīm b. Muslim al-Ṭabīb, l'un des étudiants de l'école du commentateur.

L'édit. a également utilisé trois mss. d'Hippocrate en traduction arabe: 1. Alexandrie Bal. 3722 j./ ṭibb, 34 f., en trois *maqāla*-s, daté de 1751 de notre ère; 2. DK microf. 2835, 38 f., *Taqḍimat al-ma'rifa*, trad. de Ḥunayn b. Iṣḩāq, tout au moins pour la *maqāla* I, où cela est indiqué à la fin; 3. Téhéran Majlis 8512, 10 p., daté du VII^{ème} s., signalé dans les catalogues comme étant *Sharḥ Fuṣūl Iḩuqrāt* de Abū 'Imrān Mūsā b. Maymūn al-Qurṭubī (Maïmonide), mais qui est, en fait, le *Prognostikon*, dans la trad. Ḥunayn b. Iṣḩāq et dont le copiste est le même que celui du ms. 1 du Commentaire.

Étude, et mss., 17-137.

MADDE YAYINLANDIRILAN
SONRA GELEN DOKÜMAN.

6002 09V 8 1

29. Muhaddabaddīn ʿAbdarrāḥīm b. ʿA. ad-Dimašqī
ad-Daḥwār, geb. 565/1169, gest. am 15. Şafar
628/24.12.1230 in Damaskus, nachdem er die Sprache
verloren hatte (s. Suppl.).

GAL. c.I., s. 647, 1943 (LEIDEN)

DOKÜMANTASYON MERKEZİ ~2

30. Muhaddabaddīn Abdarraḥīm b. A. ad-Daḥwār wurde von Saladins Bruder Saifaddīn 1206 als Leibarzt und nach 1210 als *Rāʾis al-aṭibbā* für Syrien und Ägypten angestellt mit dem Sitz in Damaskus. 1228 bestätigte ihn Ašraf Mūsā als Leibarzt. Vor einer Reise nach Mesopotamien stiftete er 1225 sein Haus in Damaskus als die Medizinschule ad-Daḥwāriya, die 1231 eröffnet wurde und über ein Jahrh. bestand.

B. al-Imād, *ŠD* V, 127, Meyerhof, *Qu. u. St. z. Gesch. d. Nat. u. Med.* IV (1935), 43, Sarton II, 1099, Anm.; s. 368, II, 5, c.

GAL. Supp. I., s. 896, 1937 (LEIDEN)

DOKÜMANTASYON MERKEZİ —J

45

b) von 'Abdarrāḥīm b. 'Alī b. Ḥāmid AD-DAḤWĀR ad-Dimašqī (st. 628/1230, s. Br. I, 491), dessen Kommentar von seinem Schüler Muẓaffar B. QĀDĪ BA'LABAKK schriftlich fixiert worden ist, Hss.: Nur. Osm. 3524 (60 ff.), 3225 (47 ff., 11. Jh. H.), Hekimoğlu 574/2 (87^b-115^b, 698 H.), Paris 2835 (ff. 49-147, 7. Jh. H., s. Vajda 669), Oxford, Bodl., Thurft 1977/2 (s. Uri S. 129, No. 533), Alex., Balad., tıbb 22, bzw. 3420 ğ (86 ff., 10. Jh. H., s. *Fihri. maht.* III, 2, 108-109), Aleppo, drei Hss. im Privatbes. von Ḥakīm, Ḥakīm G., Ḥaddūr (s. Sbath, *Fihris* I, 98, No. 834).

GAS. C. III., s. 32, 1970 (LEIDEN)

DOKÜMANTASYON MERKEZİ - 5

347. ~~Abderrahîm b. 'Alî b. Hâmid Muhaddab~~ ed-dîn, Abû Muh., bekannt unter dem Namen el-Dachwâr,^{a)} der Lehrer des Ibn Abî U., einer der ersten Ärzte seiner Zeit. Er wurde i. J. 565 in Damaskus geboren, wo sein Vater ein berühmter Augenarzt war und machte auch daselbst seine Studien. Er beschäftigte sich auch mit Astronomie und Astrologie und besafs viele kostbare und seltene Instrumente und viele vortreffliche Werke über diese Wissenschaften. Ibn Abî U. bemerkt, er habe aus seinem Munde gehört, dafs er 16 der seltensten Abhandlungen über das Astrolabium besitze. Er war zuerst Arzt von el-Melik el-'Âdil Abû Bekr b. Eijûb (des Bruders von Saladdin), später seines Sohnes el-Melik el-Ašraf Abû-i-Fath Mûsâ. Er starb im Šafar d. J. 628 (Ende 1230). (Ibn Abî U. II. 239; Kut. I. 345.)

SUTER, s. 138, 1900 (LEIPZIG)

DOKÜMANTASYON MERKEZI - 6

died in Damascus 1286 (he has been confused with another and greater Abū-l-Faraj—Bar Hebraeus—who died in the same year). He was a pupil of Ibn abī Uṣaibi'a who devoted a note to him at the end of the revised edition of his 'Uyūn al-anbā'.

His main works are a medical compendium, Kitāb jāmi' al-gharad fī hifz al-ṣiḥḥa wadaf' al-maraḍ (Compendium of what one should know to preserve one's health and avoid disease), and a treatise on surgery, Kitāb al-'umda fī ṣinā'at al-jirāḥa (The pillar of surgery). The second of these works is divided into two parts, theory and practice, each of which contains ten chapters. The first part begins with an elaborate anatomical introduction, then deals with pathology, and a classification of diseases according to the theory of four humours. In chapter 19 the author explains four methods of circumcision, and a new method of lithotomy applicable to women.

He also wrote an elaborate commentary on Hippocrates' Aphorisms, Kitāb al-uṣūl fī sharḥ al-fuṣūl, which is extant; and commentaries on the Qānūn and the Kitāb al-ishārāt of Ibn Sīnā, which are lost. Various other medical works are ascribed to him.

Criticism—Ibn abī Uṣaibi'a (Müller's edition, vol. 2, 273, 1884).

Antoine Barthélémy Clot (Clot bey): Note sur la fréquence des calculs vésicaux en Egypte et sur la méthode employée par les chirurgiens arabes pour en faire l'extraction (28 p., Marseilles 1830). F. Wüstenfeld: Arabische Aerzte (146, 1840). L. Leclerc: Médecine arabe (vol. 2, 203-204, 1876). C. Brockelmann: Arabische Litteratur (vol. 1, 493, 1898). E. Gurlt: Geschichte der Chirurgie (vol. 1, 662, 1898). E. Wiedemann: Beschreibung von Schlangen bei Ibn Qaff (Beiträge 50, Sitzungsberichte der phys. med. Sozietät, vol. 48, 61-64, Erlangen 1918). Translation with commentary of a chapter of the Jāmi'.

IBN AL-NAFĪS

'Alā' al-dīn Abū-l-Ḥasan 'Alī ibn abī-l-Ḥazm Ibn al-Nafīs al-Qarshī (or Qurashī) al-Miṣrī al-Shāfi'i. Egyptian or Syrian physician who studied under Ibn al-Dakhwār⁶ in Damascus, and in the course of time inherited his teacher's fame; he died at Damascus, being about 80 years of age, in 1288-1289 (the date 1296-1297 is unlikely). He wrote a number of commentaries on the ḥadīth and on the medical writings of Hippocrates (Aphorisms, Prognostics), Ḥunain ibn Ishāq, and Ibn Sīnā (generalities and anatomy of the Qānūn, and the whole Qānūn). His independent medical works include a treatise on eye diseases, and another on diet, Kitāb al-mukhtār min al-aghdiya.

I ought to have spoken before of this Ibn al-Dakhwār who was one of the most famous physicians of his time. Muhaddhib al-dīn Abū Muḥammad 'Abd al-Rahīm ibn 'Alī al-Dimashqī (Ibn) al-Dakhwār. Born at Damascus in 1169-1170, where his father 'Alī was a well known eye doctor; appointed chief of the physicians of Egypt and Syria by the Ayyūbid al-'Ādil (ruled from 1196 [1199] to 1218); al-'Ādil's successor in Damascus, al-Mu'azzam, put him at the head of the hospital of Damascus, where he did considerable teaching, and where Ibn abī Uṣaibi'a was one of his pupils; he was called to Mesopotamia by the Ayyūbid al-Ashraf Mūsā (ruled there from 1210 to 1230), but he returned to Damascus in 1228-1229, and died there in 1230 (not 1250). He composed many medical writings, of which only one seems to have survived, a commentary on Hippocrates' Aphorisms. Ibn abī Uṣaibi'a devoted an exceptionally long note to him (A. Müller's edition, vol. 2, 239-246).

F. Wüstenfeld: Arabische Aerzte (123, 1840). L. Leclerc: Médecine arabe (vol. 2, 177-179, 1876). C. Brockelmann: Arabische Litteratur (vol. 1, 491, 1898).

مهذب الدين الدخوار (٥٦٥-٦٢٨ هـ / ١١٧٠-١٢٣٠ م)

عبد الرحيم بن علي بن حامد، المعروف بالدخوار : طبيب ، انتهت إليه رئاسة صناعته في عصره . ولد ونشأ في دمشق ، واتصل بالملك العادل (أبي بكر بن أيوب) سنة ٦٠٤ هـ ، فارتفعت منزلته عنده حتى جعله في جلسائه وأصحاب مشورته ، وأغدق عليه إنعامه . ولما توفي العادل (سنة ٦١٥ هـ) وولى الملك المعظم بالشام ، ولاه النظر في بیمارستان (المستشفى) الكبير الذي أنشأه نور الدين بن زنكي ، فأقام يصنف كتبه ويعلم الناس الطب إلى أن ملك دمشق الملك الأشرف (سنة ٦٢٦ هـ) فولاه رئاسة الطب ، فظل على ذلك إلى أن توفي بدمشق . ووقف داره «مدرسة للأطباء» وهي بنواحي الصاغة العتيقة . من كتبه «الجنيئة» في الطب ، و«شرح مقدمة المعرفة - خ» في الطب ، و«مختصر الأغاني ، للأصفهاني» في الأدب ، و«مختصر الحاوي، للرازي» في الطب . وله رسائل وتعليقات كثيرة (١)

(١) طبقات الأطباء ٢ : ٢٣٩-٢٤٦ والقلائد الجوهريّة ٢٣١ والفهرس التمهيدى ٥٢٢ وذيل الروضتين ١٥٩ والدارس ٢ : ١٢٧ والنجوم الزاهرة ٦ : ٢٧٧ ، Brock. S. 1: 896 ،

Zirikli, "el-A'lâm", c. IV, s. 121-122, 1959-54 (KAHIRE)

-ibn al-lobbūdī
المسائل
-ibn al-lobbūdī
-Hunayn b. Ishak
-Ibn al-Fayyūz
-Antaki Yahya b. Sari

المسائل في الطب للمتعلمين
بزيادات جيش الأعمش

الحين بن إسحاق العبادي المتوفى سنة ٢٦٠هـ (سبق).

قال في كشف الظنون ١٦٦٨ نافع للمبتدئين وكان حين جمع معاني هذا الكتاب في طروس بيض منها البعض في مدة حياته ثم إن حبيش بن حسن تلميذه وابن أخته رتب الباقي بعده وزاد فيها من عنده اهـ خ مغنيسيا ١٧٨١ وفاخ ٣٦٣٣ وأحمد الثالث ١٩٥٦ .

أبو سهل سعيد بن عبد العزيز بن عبد الله النبلي النيسابوري المتوفى سنة ٤٢٠هـ (سبق في فصول أبقراط) .

شرح مسائل حنين

(الأعلام ٣: ٩٧) خ أيا صوفيا ٤٨٥٧ (بروكلمان ٢: ٥٠) .

عليه حاشية:

أحمد بن المنفخ بن علوان المتوفى سنة ٦٥٢هـ .

● تعليقات على الكتاب

خ باريس أول ٢٨٤١ .

أبو الفرج عبد الله بن الطيب العراقي المتوفى سنة

٤٣٥هـ (طبقات الأطباء ١: ٢٣٩، الأعلام ٤: ٩٤) .

شرح مسائل حنين

خ يكي ١١٠٠ ومغنيسيا ١٧٨١ .

يحيى بن سعيد بن يحيى الأنطاكي المتوفى سنة

٤٥٨هـ (طبقات الأطباء ٢: ٨٧، الأعلام ٨: ١٤٧) .

تفسير مسائل حنين

خ الرباط ٣٩٦ .

أبو القاسم عبد الرحمن بن علي بن أحمد بن أبي صادق النيسابوري المتوفى نحو سنة ٤٥٩هـ (سبق في فصول أبقراط) .

١- شرح مسائل حنين

خ خدابخش بنته (أعلام ٣: ٣١٦) ودار الكتب المصرية ٦٣٠٤ لوجامعة القاهرة ٢٦٠٩٣ ومكتبة جدة المركزية ٢٦٨٣ وأحمد الثالث ١٩٩٦ ومغنيسيا ١٧٨٣ وأيا صوفيا ٣٧٠٩ .

٢- مختصر شرح المسائل .

عليه حاشيتان:

شرف الدين علي بن يوسف بن حيدرة الرحيبي المتوفى سنة ٦٦٧هـ (سبق في القانون) .

● حواش على شرح أبي صادق لمسائل حنين

(كحالة ٧: ٢٦٥) .

مهذب الدين عبد الرحيم بن علي الدمشقي المعروف بالدخوار المتوفى سنة ٦٢٨هـ (سبق في الأغاني والحاوي وغيره) .

● شرح على شرح أبي صادق

(كشف الظنون: ١٦٦٨) .

موفق الدين هبة الله بن صاعد بن إبراهيم

المعروف بابن التلميذ المتوفى سنة ٥٦٠هـ (سبق في فصول أبقراط) .

١- الأساس شرح مسائل حنين

(الأعلام ٨: ٧٢) خ بودليان ٦٣٦١ (بروكلمان ٢: ٥٠٠) .

كمال الدين أبو منصور المظفر بن علي بن ناصر

القرشي الحمصي المتوفى سنة ٦١٢هـ (طبقات الأطباء ٢: ٢٠١، هدية العارفين ٢: ٤٦٣، الأعلام ٧: ٢٥٧) .

شرح مسائل حنين .

رضي الدين أبو الحجاج يوسف بن الحسن

الرحبي المتوفى سنة ٦٣١هـ (سبق في فصول أبقراط) .

١- مختصر كتاب مسائل حنين .

سدید الدين محمود بن عمر بن رقيقة المتوفى

سنة ٦٣٥هـ (عيون الأئمة ٢: ٢١٩، شذرات الذهب ٥: ١٧٧) .

١- كشف المسائل وأتحاف المسائل

(نظم مسائل حنين كشف الظنون :

١٦٦٨) .

شمس الدين أبو عبد الله محمد بن عيدان بن

عبد الواحد الدمشقي المعروف بابن اللبودي المتوفى سنة ٦٢١هـ (عيون الأئمة ٢: ١٨٤، الوافي بالوفيات ٣: ٢٠٠، شذرات الذهب ٥: ١٣٥) .

١- شرح مسائل حنين

(كشف الظنون: ١٦٦٨) .

نجم الدين يحيى بن عيدان بن عبد الواحد

اللبودي المتوفى سنة ٦٦١هـ (سبق في الإشارات وغيرها) .

١- مختصر مسائل حنين

(كشف الظنون: ١٦٦٨) .

علي بن أبي الحزم بن النفيس القرشي المتوفى

سنة ٦٨٧هـ (سبق) .

١- شرح المسائل لحنين

خ أيا صوفيا ٣٦٥٨ (مخطوطات الطب

الإسلامي بتركيا: ٢١٠٠) وبرلين ١٠٤٠

وجامعة القاهرة ٩١٣٣ .

الأوركسترا (شعر صلاح عبد الصبور)، و«ملاح مصرية»، و«الطيب والشيرير» أوبريت للأطفال (نص كامل أيوب)، و«الحمامة المطوقة» (عن كليلة ودمنة) لكورال أطفال وراوي (نص صلاح جاهين) و«النار والكلمات» غناء منفرد (سوبرانو) Soprano و«الأمير السعيد» (شعر عبد الوهاب البياتي). و«إلى الشهداء العرب مرثية وصراع»، و«تنويعات على لحن مصري» للبيانو. و«تأملات للكمان المنفردة»، و«ثلاثية للكمان والتشيلو والبيانو».

وكتب عبد الرحيم أيضاً آلات النفخ مثل: «مناجاة» للكلارينيت [ر] (في مقامات ربعية)، و«رومبا» للترومبيت [ر]. البوق [ر]، و«ثلاثية للفلوت والهارب [ر] Harp وآلات الإيقاع»، وغيرها. وله إسهام كبير في الموسيقى التصويرية للسينما والتلفزيون والمسرح.

نال جمال عبد الرحيم أوسمة وجوائز عدة آخرها جائزة الدولة التشجيعية في التأليف الموسيقي (وأعماله مسجلة على أسطوانات مدمجة CDs أصدرتها العلاقات الثقافية الخارجية بوزارة الثقافة). كما أنتج المركز القومي للسينما فيلماً عنه من إخراج كامل القليوبى. ونشرت مؤلفاته ثلاثة دور نشر أوروبية (النمسا وألمانيا) وأمريكية.

سمحة الخولي

(Variable metres) لتييح لموسيقاه تدفقاً حراً ولاسيما في الأعمال الغنائية مثل مؤلفته «الصحوة» حفاظاً على سلامة العروض الشعري. وقد أضفى استخدامه آلات الإيقاع الشعبية المصرية (كالمزهر، والبندير، والرق، والدريكة) تلويناً شرقياً على كثير من أعماله. كما أدخل آلات الإيقاع الغربية كالفيبرافون vibraphone والماريمبا marimba كما في باليتي «أوزوريس» (1972)، و«حسن ونعيمة» (1974)، فكان أول موسيقي استخدمهما في مصر.

البناء الموسيقي عنده ليس غربياً تماماً؛ إذ له فيه لفتات خاصة فهو يستخدمه بقدرة في أكبر أعماله، مثل «الصحوة»، و«ثنائية الكمان والتشيلو». وفي أعماله الصغيرة مثل «الشعب» لكورال الأطفال.

من أهم مؤلفات جمال عبد الرحيم، إضافة إلى ما ذكر سابقاً «متابعة» Suite للأوركسترا، و«تنويعات على لحن شعبي مصري»، و«موكب» (مارش) أحمس»، و«رقصة احتفالية» (صهبة)، و«بحيرة اللوتس»، و«أصداء» للفلوت [ر]. الناي] والأوركسترا، و«رابسودية» للتشيلو، و«فانتازيا على لحن شعبي» للكمان والأوركسترا، و«ملحمة سيناء» للجوقة الغنائية (الكورال) مع

متسق خاص به؛ إذ نبذ السلمين الكبير major والصغير minor، سواء في المقامات [ر]. الموسيقى العربية] الخالية من الأرباع كالثاوند، والحجاز ومشتقاته، والصب زمزمة، والصب بوسليك، والنوا أثر، والنكرين، أم في المقامات الربعية (3/4 الصوت) التي اتجه إليها بقوة في مرحلته الثالثة، منذ عام 1977، كالبياي مثل «ارتجال على لحن بائع متجول للتشيلو المنفرد»، و«ثنائية للكمان والتشيلو»، و«المراسم والهزام وغيرهما». واستمد من المقامات، بنوعيتها، تألفاته الهارمونية من أبعاد المقامات نفسها. كما استنبط لغة بوليفونية (متعددة التصويت) لمؤلفاته في المقامات ذات 4/3 الصوت أيضاً، فأدخل، مثلاً، في صياغته لدور «كادني الهوى» لمحمد عثمان للكورال والأوركسترا في قسم «الهنك» فقرة فوغالية [ر]. الصيغ الموسيقية] (Fugal) في مقام الراسم، لرباعي وتري تعزفها الأوركسترا. والكتابة الكنتراپنتية [ر]. الانسجام] (التي تُجدَل فيها ألحان متشابهة) أقرب إليها من الهارمونية، لأنه رآها امتداداً طبيعياً للحنية الشرقية.

تبنى عبد الرحيم الضروب العربية العرجاء مثل 5/8، و7/8، وغيرهما، إضافة إلى الموازين المتغيرة الغربية

الموضوعات ذات الصلة:
الموسيقى - مصر

مراجع للاستزادة:

- سمحة الخولي، القومية في موسيقى القرن العشرين، سلسلة عالم المعرفة (الكويت 1992).
- سمحة الخولي، كتاب تذكري، جمال عبد الرحيم (المجلس الأعلى للثقافة، 2002).
- عواطف عبد الكريم، جمال عبد الرحيم في كتاب التأليف الموسيقي المصري المعاصر الجيل الثاني وحدة برزوم (العلاقات الثقافية الخارجية بوزارة الثقافة 2003).

■ عبد الرحيم بن علي - القاضي الفاضل (عبد الرحيم بن علي)

■ عبد الرحيم بن علي الدمشقي

(٥٦٥ - ١١٦٩/هـ - ١٢٣٠م)

في مدارسها، وظهرت عليه علائم النبوغ والدأب في تحصيل العلم

بالدخوان طبيب بارع فاضل، ولد بدمشق، وبها نشأ، وأخذ علومه الأولية

أبو محمد مهذب الدين عبد الرحيم ابن علي بن حامد الدمشقي المعروف

منزله القراءة والحفظ واستماع مناقشات بعض الطلبة والاستفادة من تقاريرهم ووسائل مراجعة الكتب الميسرة. وبعد أن شرع في تدريس صناعة الطب في داره طلبه الملك الأشرف سنة للخدمة في المعسكر فرحل إلى الشرق سنة (622هـ/1225م) بعد أن وقف دازه لتدريس صناعة الطب، وأوصى أن يكون المدرس الأول فيها شرف الدين علي بن الرحي (667هـ/1268م).

مرض الدخوار بالشرق، وأصابه ثقل في لسانه واسترخاء. عاد إلى دمشق برفقة الملك الأشرف سنة 626هـ/1228م، فولاة رئاسة الطب. وتابع مهذب الدين تدريسه لصناعة الطب في داره فاجتمع إليه كثير من أعيان الأطباء، وكان من بينهم المؤرخ الطبيب ابن أبي أصيبعة الذي قرأ عليه كتب جالينوس. وكان الدخوار شديد الإعجاب بها وخبيراً بكل ما يقرأ عليه منها. وكان من تلامذته أيضاً بدر الدين بن قاضي بلبل وقد شرح له الدخوار كتاب أبقراط المشهور بتقدمة المعرفة الذي يعدّ من المداخل الأساسية لتعلم الطب. ومن بينهم أيضاً عز الدين السويدي (690هـ/1291م)، ونجم الدين بن المنفاخ (652هـ/1254م)، وابن النفيس (687هـ/1288م). أمّا من زملائه في الدراسة والعمل بالبيمارستان فكان موقّ الدين يعقوب بن سقلاب (624هـ/1226م)، وعمران الإسرائيلي (637هـ/1239م).

ولما اشتدّ به ثقل لسانه اجتهد لعلاج هذا الداء واستفرغ بدنه بعلاجات مسهلة. ثم تناول كثيراً من المعاجين والأشربة الحارة والغذاء بما يجده صالحاً، ولكن الحمى زادت عليه وعرف أنّ قوّته قد ضعفت وتوالت عليه أمراض عديدة، حتى كانت وفاته ليلة الأحد في 14 صفر عام 628هـ/22 ديسمبر 1230م، ودفن بجبل قاسيون ولم يخلف ولداً.

قضى مهذب الدين عبد الرحيم الدخوار جل حياته

العادل، وخدم الملك الناصر صلاح الدين يوسف بن أيوب (ت 589هـ) إذ وجد فيه السلوك الحسن، فعين له جامكية بثلاثين ديناراً شهرياً ليكون ملازماً للبيمارستان في قلعة دمشق، وكذلك في البيمارستان النوري الكبير الذي أسسه قبلا الملك نور الدين محمود بن عماد الدين زنكي حوالي 559هـ. بعده جاء أخوه الملك العادل أبو بكر بن أيوب (ت 615هـ)، فاستمرّ مهذب الدين الدخوار في عمله ونشاطه إلى أن صار جلس الملك العادل وصاحب مشورته. ومحل التقدير الأكيد والرعاية الصحيحة. وحين أصاب الملك العادل مرض عسير أشار الدخوار عليه بالفصد، أمّا الأطباء الآخرون فأمرؤا بخلاف ذلك. وحدث أنّ الملك العادل نفسه رجع راعافاً قويّة فصخّ من دائه حالاً، فعرف أنّ ما في أطبائه مثل الدخوار معرفة ومعالجة.

وفي عام 610هـ، أصيب الملك العادل أيضاً بمرض صعب. وبعد أن عالجه الدخوار معالجة ناجحة أحسن إليه بمبلغ 7000 دينار مصرية مع أطواق ذهبية، كما عيّنه على رئاسة الطب بالعاصمتين: دمشق والقاهرة. وفي عام 612هـ حدث وباء عظيم في أرض مصر هلك به خلق كثير. وكان الملك العادل وكثير من خواصه أصيبوا به فعالجهم بلطف علاج إلى أن برؤوا؛ وحصل له منهم شيء كثير من الخلع والهدايا السلطانية.

وبعد وفاة الملك العادل استقرّ الحكم لابنه المعظم شرف الدين عيسى في الديار الشامية بما في ذلك مناطق في لبنان وفلسطين من حمص حتى مدينة غزّة، وفي الداخل من صرخد إلى جهات عجلون والكرك والشوبك والمنطقة.

واستمرت العلاقة ودّية بين الملك المعظم عيسى والحكيم مهذب الدين الدخوار. ففي النهار كان يقضي يومه في معالجة ومواساة المرضى لا سيما في البيمارستان النوري، وفي المساء يتابع في

• ابن خلكان، أحمد، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، تح. إحسان عباس، ط. دار الثقافة بيروت 1968 - 1972م؛
• بروكلمان، تاريخ الأدب العربي، ترجمة رمضان عبد التواب، دار المعارف، مصر، ط2، 359/5 - 361؛
• دائرة المعارف الإسلامية، ط. ج، مج3، فصل ابن دحية. د. حسن جلاب

كلية اللغة العربية - مراكش

د. فاروق حمادة

جامعة محمد الخامس - الرباط

د. صاحب جعفر أبو جناح

جامعة صنعاء - اليمن

الدخوار، أبو محمد مهذب الدين عبد الرحيم

(565هـ/1169م - 628هـ/1230م)

هو مهذب الدين عبد الرحيم بن علي بن حامد، أبو محمد، المعروف بالدخوار. ذكره ابن تغري بردي في كتابه «النجوم الزاهرة»: «المهذب بن الدخوار الطبيب»، [ص 277]. وكذلك المستشرق لوكير في كتابه «تاريخ الطب العربي» فقال: «أبو محمد عبد الرحيم بن علي بن أحمد مهذب الدين بن الدخوار» [ص 177/2]. رئيس الأطباء في مصر والشام، ومؤسس المدرسة الدخوارية بدمشق أشهر مدرسة لتعليم الطب في عصره. ولد ونشأ في دمشق، وكان أبوه كحالا مشهوراً. خدم مهذب الدين كحالا بالبيمارستان الكبير النوري منذ صغره. قرأ اللغة العربية على الشيخ تاج الدين الكندي (ت 613هـ/1216م). والعلوم

الحكمية على سيف الدين الأمدي ونسخ معظم مصنفاته، وعلم النجوم على المنجم أبي الفضل الإسرائيلي، واقتنى كثيراً من الآلات والكتب الفلكية. أمّا الطب فقد قرأ شيئاً منه حين كان يعمل بالبيمارستان على رضي الدين الرحي (ت 631هـ/1233م)، ثم لازم ابن المطران (ت 587هـ/1191م) الطبيب الخاصّ للسلطان الناصر صلاح الدين بن أيوب وتلمذ عليه حتى اشتهر وهو لم يتجاوز الثانية والعشرين من عمره. قصد فخر الدين المارديني دمشق سنة 587هـ/1191م، وقد لازمه الدخوار لمدة عامين وقرأ عليه بعض كتاب القانون لابن سينا وضححه معه.

اشتغل عبد الرحيم الدخوار بصناعة الطب وخدم الوزير صاحب صفى الدين بن شكر وزير الملك

فهرس

Dahmar

فخطوط الطب الاسلانية

باللغات العربية والتركية والفارسية

في

مكتبات تركيا

اشراف

د. اكمل الدين احسان اوغلي

اعداد

د. رمضان ششن

جميل آقپكار جواد ايزنى

١٩٨٤-١٤٠٤

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt No :	2547
Tasnif No. :	

٢٠٠ - الدخوار ، مهذب الدين عبد الرحيم بن علي ،

المتوفى سنة ٦٢٨ هـ ١٢٢٠ م.

(عيون الأنباء ٢ : ٢٢٩-٢٤٠ الاعلام ٢ : ٢٤٧ ؛

معجم المؤلفين ٥ : ٢٠٩ .

R.Şeşen,Salâhaddin Devrinde Eyyûbiler Devleti,386-387

(GAL, I, 491, S. I, 896

١ - مايقع في الادوية المفردة من التصحيف

حكيم اوغلي ، رقم ٢/٥٧٤ ، من ١١٧ آ الى ١١٨ ب ، بخط نسخ و بمقياس ٢٥×١٨
(١٨,٦×١٣) سم ، كتبه مأمون بن محمد بن مأمون الاسطهباني الايجي ووافق
الفرغ منه في شهر ربيع الاول سنة ٦٩٨ هـ . بمدينة حماة . انظر نوادر
المخطوطات ٢ : ١٠-١١ .

٢ - مقالة في الاستفراغ في الحميات

حكيم اوغلي ، رقم ٤/٥٧٤ ، من ١١٨ ب الى ١٢٥ ب ، بمقياس الرسالة السابقة
ويخط كاتبها . انظر نوادر المخطوطات ٢ : ١١ .

٢٠١ - الدسوقي ، ابراهيم بن احمد الشيبوي ،

المتوفى بعد سنة ١٢٠٤ هـ ١٧٩٠ م.

(هدية ١ : ٤١ ؛ الاعلام ١ : ٢٠ ؛ معجم المؤلفين ١ : ٥)

- معينة المعاني في صناعة الطب (منظومة فرع منها في سنة ١٢٠٤ هـ .)

بغدادلى وهبى ، رقم ١/١٤٦٧ ، من ١ الى ٢٨ ، بخط نسخ وبمقياس ١٥,٩×١٠,٥
(١٢,٨×٧) سم ، كتبه محمد يوسف سنة ١٢٥١ هـ .

جامعة استانبول ، القسم العربي ، رقم ٢/٦١٦٩ ، من ٩١ آ الى ١١٨ ب ، بخط
نسخ وبمقياس ٢١×١٤,٥ سم ، كتبه سيد محمود رمضان بن سيد علي
سنة ١٢٧١ هـ .

انظر ابضاح المكنون ٢ : ٥١٤ .